جزئیات مرگبارترین سانحه هوایی در برزیل

۱۷۶ سرنشین جت مسافربری که در فرودگاه «کونگوناس» شهر «سائوپائولو» برزیل منفجر شد همراه ۱۶ کارگر انبار سوخت جان باختند. جت مسافربری، پس از لغزش در باند به انبار سوخت خورد و منفجر شد. فرماندار ایالتی «سائوپائولو» پیش تر شانس زنده ماندن بازماندگان لاشه هواپیما را صفر خوانده بود. همچنین یک مقام آتش نشانی گفت ممکن است شماری روی زمین کشته شده باشند که به احتمال زیاد کارگران انبار و رهگذران هستند.

هواپیمای ایرباس A-۳۲۰ شرکت «تی ای ام» شامگاه سه شنبه به وقت محلی در شرایط بارانی روی باند لغزید و با دیوار انبار سوخت برخورد کرد.

شبکه های مختلف تلویزیونی برزیل تصویرهای آتش سوزی مهیب را نشان دادند.

الیاس رودریگز، کارمند «تی ای ام» که شاهد فاجعه بود، اعلام کرد: هواپیما پس از برخورد به انبار منفجر شد. وی افزود: ناگهان صدای انفجار مهیبی شنیدم و زمین زیر پاهایم لرزید. سرم را بلند کردم و گلوله بزرگ آتش را دیدم، بعد هم بوی بد نفت و سولفور به مشامم رسید. هوا در بیشتر طول روز بد بود و به علاوه از مدتی پیش نگرانی هایی در مورد ایمنی «کونگوناس» که شلوغ ترین فرودگاه برزیل است وجود داشت. ماه فوریه، دادگاه برزیل به طور موقت ورود و خروج هواپیماها از این فرودگاه را ممنوع کرد. خلبانان شکایت داشتند که به علت جمع شدن آب روی باند ترمز هواپیماها با مشکل مواجه می شوند.

برای صلح و سازش ارسال شد

پرونده قتل در شورای حل اختلاف

گروه حوادث: پرونده مرموز مردی که در شهرستان میانه به قتل رسید پس از ۷ سال برای صلح و سازش به شورای حل اختلاف فرستاده شد. به گزارش خبرنگار ما، جسد این مرد ۳ مرداد سال ۷۹ در حالی که خفه شده بود در بیابان های اطراف میانه کشف شد.

۳ روز بعد نیز جسد مرد ۴۰ ساله که حسن نام داشت شناسایی شد. سپس در پی بررسی پرینت تلفن همراه او کارآگاهان مردی به نام ابراهیم را به اتهام قتل وی دستگیر کردند. او در بازجویی ها با اعتراف به قتل گفت: حسن را به خاطر ایجاد مزاحمت برای خانواده اش به قتل رسانده است. متهم پس از محاکمه در شعبه یکم دادگاه عمومی میانه به قصاص محکوم شد. این حکم از سوی شعبه دوم دیوان عالی کشور تأیید شد. با گذشت ۷ سال از جنایت پرونده این قتل برای صلح و سازش به شورای حل اختلاف فرستاده شد. در صورتی که خانواده ابراهیم موفق به کسب رضایت اولیای دم نشوند حکم قصاص پس از استیذان از رئیس قوه قضائیه اجرا خواهد شد.

بازداشت عضو فراری یاکوزاها در غرب تهران

گروه حوادث: عضو فراری گروه خشن موسوم به «یاکوزاها» در جریان عملیات تجسسی پلیس آگاهی تهران دستگیر شد.

عملیات ردیابی این مرد خطرناک از ۱۵ تیر امسال به دنبال وقوع درگیری مسلحانه در یک خانه ویلایی در شمال تهران در دستور کار پلیس قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، عصر روز حادثه مأموران آگاهی حین گشت در شمال تهران به ۲ مرد جوان مظنون شده و آنها را تحت بازجویی قرار دادند. از آنجا که مظنونان خود را از ساکنان یک خانه ویلایی در شمال تهران معرفی کرده بودند، مأموران با مراجعه به آنجا، خانه ویلایی را تحت بازرسی قرار دادند. در همین هنگام مرد جوانی با سلاح خود به سوی مأموران تیراندازی کرد که پس از درگیری مسلحانه با به فرار گذاشت. بنابراین، مأموران ۵ مرد و یک زن بنگلادشی ساکن خانه ویلایی را برای تحقیق و بازجویی به اداره آگاهی منتقل کردند. متهمان در اعتراف های خود ادعا کردند، تیرانداز فراری افشین نام دارد و از اعضای شبکه یاکوزاهاست. کارآگاهان با اطلاعاتی که از پاتوق های متهم به دست آورده بودند سرانجام مخفیگاه وی را در غرب تهران ردیابی و او را بازداشت کردند. تحقیقات قضایی و پلیسی درباره اقدام های تبهکارانه متهمان بازداشت شده ادامه دارد.

زنی به اتهام قتل محاکمه شد

گروه حوادث: منشی یک دفتر سینمایی که مدعی است مأمور قلابی شرکت گاز را به خاطر دفاع از خود با ضربات چاقو به قتل رسانده بود، دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران از خود دفاع کرد.

به گزارش خبرنگار ما، حیدری نماینده دادستان در تشریح کیفرخواست گفت: «صدف» - ۳۶ ساله - متهم است پسر جوانی به نام شاهرخ را در خیابان هویزه تهران با ضربات متعدد کارد به قتل رسانده است و با توجه به شکایت اولیای دم و بازسازی صحنه قتل بزهکاری محرز است اما وی اقدام خود را به قصد دفاع از شرافت می داند. در ادامه جلسه مادر مقتول در جایگاه ایستاد و گفت: پسرم آن روز برای ترک اعتیاد نزد پزشک مشاورش رفت، اما ساعت ۴ بعدازظهر در جریان قتل او قرار گرفتیم. در ادامه جلسه صدف در دفاع از خود گفت: من منشی یک دفتر سینمایی بودم. ۶ اسفند سال ۸۴ با شنیدن صدای زنگ به سمت آیفون رفتم. مردی که خود را کارمند اداره گاز معرفی می کرد، از من خواست در را باز کنم. مرد جوان محل نصب کنتور گاز را پرسید و من او را به پارکینگ بردم. او در مورد تعداد سکنه ساختمان سؤالاتی کرد، همان موقع نگاه شیطانی اش مرا به شک انداخت. به همین خاطر چاقویی را در آستینم پنهان کردم. وقتی او به طرفم حمله کرد چند ضربه به بازویش زدم. او با بدنی خون آلود از ساختمان خارج شد و در پیاده رو روی زمین افتاد. این زن ادامه داد: سال ها قبل به خاطر اعتیاد شوهرم از او جدا شدم و سرپرستی دخترم را به عهده گرفتم. آن روز به دست و پای مقتول افتادم تا به خاطر فرزندم از آزار من دست بردارد. به همین خاطر ناچار شدم از حیثیت، ناموس و شرف خود دفاع کنم. به گزارش خبرنگار ما، قاضی حسینی کوه کمره ای رئیس شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران و ۴ قاضی مستشار پس از پایان جلسه وارد شور شدند تا حکم خود را صادر کنند.

محاکمه غیابی خواستگار کینه جو

گروه حوادث: محاکمه غیابی پسر جوانی که متهم است در اقدامی کینه جویانه دختر مورد علاقه اش را به قتل رسانده است با درخواست اولیای دم در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، مأموران پلیس قیامدشت ۱۲ بهمن ۸۴ با پیکر نیمه جان دختر جوانی که در گودالی اطراف بازار افتاده بود مواجه شدند.

دختر جوان هنگام انتقال به بیمارستان خود را گل بیگم معرفی کرد و به مأموران گفت: پسری به نام احمد که خواستگارم بود با شنیدن جواب منفی مرا با چاقو مورد حمله قرار داد. بدین ترتیب دختر جوان به بیمارستان منتقل شد، اما تلاش پزشکان برای نجات جانش بی ثمر ماند. با مرگ این دختر ۱۹ ساله، مأموران به تحقیق درباره محل زندگی و مخفیگاه احمد پرداختند. دوست احمد در جریان بازجویی های پلیسی ادعا کرد: «احمد و گل بیگم از ۲ سال قبل با هم رابطه دوستی داشتند و خانواده دختر هم از این جریان با خبر بودند. بیشتر اوقات احمد از باجه تلفن روبه روی محل کارش با دختر مورد علاقه خود تماس می گرفت و برای گردش با هم قرار می گذاشتند تا این که احمد تصمیم گرفت با او ازدواج کند، اما مقتول پیشنهاد احمد را نپذیرفت و او نقشه قتل دختر را کشید. با درخواست اولیای دم پرونده در دادسرای پاکدشت تحت رسیدگی قرار گرفت و احمد پس از محاکمه غیابی در این قتل مجرم شناخته شد. به گزارش خبرنگار ما، پرونده این جنایت در حالی در اختیار شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت که گزارش پزشکی قانونی حاکی از آن است که دختر جوان با وارد شدن ۱۷ ضربه کارد از پای درآمده است.

فرار زن جوان از دام شیطانی

گروه حوادث: جوان تبهکار وقتی در اجرای نقشه ربودن زنی ناکام ماند، او را با کارد مجروح کرد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل زنی هراسان با مراجعه به دادسرای ناحیه ۴ تهران با طرح شکایتی ادعا کرد از سوی راننده جوانی ربوده شده است.

این زن به قاضی عبدالمنافی گفت: دیروز ساعت ۸ شب پس از پایان یک روز کاری در بزرگراه رسالت به مقصد تهرانپارس سوار خودروی پرایدی شدم.

راننده به بهانه این که بزرگراه شلوغ است، مسیر خود را به خیابان های فرعی تغییر داد. پس از حدود ۲۰ دقیقه متوجه شدم راننده در حال حرکت به سمت لواسان است. در حالی که به رفتارهای او مشکوک شده بودم، از او خواستم توقف کند تا پیاده شوم، اما راننده بی تفاوت به حرفهایم بر سرعت خود افزود و زمانی که با مقاومت من روبه رو شد کاردی از زیر صندلی بیرون آورد و با آن تهدیدم کرد.

شاکی ادامه داد: راننده تبهکار قصد داشت مرا به داخل باغی بکشاند که پس از مقاومت از دست او فرار کرده و خود را به خانه ای رساندم. راننده به تعقیبم پرداخت. او وقتی متوجه شد من زنگ خانه را زده ام و هر لحظه امکان دارد دستگیر شود، با کارد ضربه ای به دستم زد و از محل فرار کرد. مالک خانه وقتی بیرون آمد و من را در آن وضع دید، سریع به اورژانس خبر داد.

با طرح این شکایت، قاضی دستور رسیدگی به این پرونده را صادر و به گروهی از کارآگاهان پلیس مأموریت داد با کمک شاکی از متهم چهره نگاری کنند.

پلیس در تعقیب سارقان مسلح خودرو

گروه حوادث: دزدان مسلح که در اقدام های جداگانه با حمله به رانندگان، ۳ خودروی مدل بالا و گران قیمت در تهران دزدیده اند تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

■ نخستین سرقت

ساعت ۴ بعدازظهر دوشنبه گذشته هنگامی که زن جوانی به همراه ۲ فرزندش سوار بر خودروی بنز در بزرگراه نیایش تهران در حرکت بود، ناگهان ۳ مرد جوان مسلح سوار بر خودروی پژو پرشیا راه او را بستند.

زن وحشت زده و هراسان خودرو را متوقف کرد و پیاده شد و با پرخاش درباره علت این اقدام از آنها سؤالاتی پرسید. همان موقع یکی از مردان مسلح در حالی که کلت خود را به طرف زن جوان نشانه رفته بود، ۲ کودک او را هم از بنز پیاده کرده و بسرعت سوار خودرو شده و گریخت. همدستانش هم با پژو از محل حادثه گریختند.

بدین ترتیب زن جوان با مراجعه به دادسرای جنایی تهران شکایتی در این باره مطرح کرد. وی در این باره گفت: از عروسی یکی از آشنایان برمی گشتیم که مردان مسلح به ما حمله کردند. جعفری، معاون دادستان تهران در این باره گفت: با ارائه مشخصات دزدان و خودروی بنز مسروقه، پلیس تجسس های گسترده ای برای ردیابی آنها آغاز کرد.

■ دومین تهاجم

در دومین حمله مسلحانه که شامگاه سه شنبه هفته گذشته رخ داد، ۲ مهاجم مسلح پس از کشاندن راننده یک خودروی پراید به حوالی خیابان میرداماد، خودرو و او را همراه ۲ رشته گردنبند ۲۰ میلیون تومانی همراهش دزدیدند.

مرد جوان با ارائه شکایتی گفت: حوالی میدان امام حسین(ع) بودم که یکی از دوستانم را همراه پسر جوانی دیدم. خواستند در مسیرم آنها را تا جایی برسانم. وقتی به حوالی میرداماد رسیدیم، ناگهان اسلحه ای را کنار شقیقه ام قرار داده و از من خواستند پیاده شوم. آنها می دانستند که من جواهرسازی کار می کنم و همیشه مقداری طلا و جواهر داخل کیف دستی ام دارم.

■ تهاجم سوم

در حادثه دیگر که نیمه شب رخ داد، دزد مسلح خودروی دوویی را به سرقت برد.

مالک خودرو در این باره به پلیس گفت: نیمه شب همراه ۲ خواهرم به میدان محسنی رفتیم. از خودرو پیاده شدم تا بستنی بخرم. وقتی به داخل خودرو برگشتم، ناگهان مرد جوانی که اسلحه ای در دست داشت سوار شد. او با تهدید اسلحه، من و ۲ خواهرم را به جاده کرج کشاند. در آنجا ما را از خودرو پیاده کرد و بسرعت از آنجا گریخت.

وی در ادامه گفت: بلافاصله با پلیس تماس گرفتم. ابتدا گفتند به کلانتری کن مراجعه کنم، اما پس از مراجعه به آنجا مأموران مرا به کلانتری آزادی راهنمایی کردند. وقتی با زحمت خودم را به آن کلانتری رساندم، اعلام کردند که اشتباه کرده ام و محل رسیدگی به شکایتم حوزه کلانتری ۱۰۳ گاندی - یعنی محل وقوع سرقت - است. سرانجام چند ساعت بعد موفق به ارائه شکایت شدم. با توجه به این اظهارات، دستورات قضایی برای طراحی تصویر رایانه ای دزدان ناشناس صادر شد.

مردی برای قتل همسرش ۳ آدمکش اجیر کرد

مقتول

متهمان

گروه حوادث ـ پارسا فرزین ـ اصفهان : مردی که متهم است با اجیر کردن ۳ آدمکش سناریوی قتل همسرش را اجرا کرده است در دادگاه کیفری اصفهان محاکمه شد. به گزارش خبرنگار ما، عصر ۹ دی ۸۵ مرد سالمندی هراسان و مضطرب با مراجعه به مأموران پلیس از ناپدید شدن مرموز دخترش اعظم خبر داد.

این مرد در شکایتش گفت: دخترم از چندی قبل با همسرش اختلاف داشت و احتمال می دهم دامادم او را به قتل رسانده باشد.

با طرح این شکایت پرونده ای در شعبه ۶ دادسرای اصفهان تشکیل و تحقیقات برای روشن شدن سرنوشت نامعلوم زن ۲۷ ساله آغاز شد.

مأموران در نخستین گام به بازجویی از همسر اعظم پرداختند اما او گفت: روزی که همسرم ناپدید شد در حالی که به محل کارم می رفتم او در خانه بود. اما وقتی بازگشتم متوجه غیبتش شدم. ابتدا احتمال دادم او به خانه پدرش رفته اما وقتی با پدرزنم تماس گرفتم متوجه شدم آنجا هم نیست. بنابراین به هر جا که احتمال می دادم اعظم به آنجا رفته باشد سر زدم اما هیچ خبری از همسرم نبود.

در ادامه با توجه با این که هیچ مدرکی علیه همسر شوهر زن ناپدید شده نبود بازپرس او را آزاد کرد تا این که یک روز پس از طرح شکایت جسد سوخته ای در شهرک صنعتی محمود آباد اصفهان پیدا شد.

بلافاصله بازپرس جنایی همراه مأموران پلیس آگاهی در محل کشف جسد حاضر شدند. به دلیل شدت سوختگی شدید تشخیص جنسیت مقتول مشخص نبود. مأموران در بازرسی محل یک دسته کلید کشف کردند که احتمال می دادند متعلق به مقتول باشد.

در ادامه برای شناسایی هویت جسد کشف شده، کارآگاهان بررسی بر روی پرونده های فقدانی را آغاز کرده و سرانجام با امتحان کلیدها به در خانه اعظم - زنی که روز قبل از کشف جسد ناپدید شده بود - موفق به شناسایی هویت مقتول شدند. در ادامه همسر مقتول دوباره تحت بازجویی قرار گرفت. او همچنان منکر هرگونه اطلاع از قتل شد اما سرانجام لب به اعتراف گشود و پرده از راز قتل همسرش برداشت.

متهم به بازپرس حق شناس گفت: مدتی بود من و همسرم با هم اختلاف شدیدی داشتیم تا این که در هفته آخر شدت جر و بحث ما بالا گرفت. به طوری که چند بار همسایه ها برای وساطت وارد عمل می شدند. چند بار نزد پدر اعظم رفته و از او خواستم برای حل مشکلات ما کاری انجام دهد اما او هم اقدامی نکرد. به همین خاطر تصمیم به قتل او گرفتم. بدین ترتیب موضوع را با یکی از دوستانم به نام آرش در میان گذاشتم. او هم قبول کرد با دریافت ۲ میلیون تومان، همسرم را به قتل برساند.

روز حادثه پس از خروج من آرش به خانه آمد و همسرم را کشت. با اعترافات همسر مقتول گروهی از مأموران پلیس آگاهی برای دستگیری آرش راهی شهرستان گچساران شدند. آنها سرانجام صبح روز ۱۱ دی سال ۸۵ او را دستگیر کردند.

با انتقال آرش به دادسرای اصفهان، او به قتل اعتراف کرد و گفت: روز حادثه همراه ۲ تن از دوستانم به نام های حمید ۱۷ ساله و رضا ۱۶ ساله برای خرید یک دستگاه رسیور ماهواره به اصفهان آمدیم. مقابل ۳۳ پل نشسته بودیم که شوهر اعظم تماس گرفت و گفت همه چیز آماده است. وقتی به در خانه آنها رسیدیم اعظم در را باز کرد. از آنجا که چند سالی بود با آنها رفت و آمد خانوادگی داشتم و محل نگهداری رسیورها را می دانستم به اعظم گفتم برای بردن یک دستگاه رسیور آمده ام.

از حمید و رضا خواستم مقابل در منتظرم بمانند. وقتی وارد خانه شدم ضربه ای به سر اعظم زدم. او غرق در خون نقش بر زمین شد. گلویش را با دست فشردم نیمه جان بود که به یاد آمپولی افتادم که برای قتل اش خریده بودم. آمپول در ساک حمید بود. در حالی که اعظم نیمه جان بود از حمید و رضا خواستم وارد خانه شوند.

همدستانم هم با مشاهده آن صحنه آمپول را از هوا پر کرده و به اعظم تزریق کردند. وقتی از مرگ او مطمئن شدم با شوهرش تماس گرفتم و ۴ نفری جسد را به منطقه صنعتی محمود آباد برده و آن را به آتش کشیدیم. بدین ترتیب با اعتراف متهمان پرونده با صدور کیفرخواست برای محاکمه به شعبه ۱۷ تجدیدنظر ـ کیفری ـ استان اصفهان فرستاده شد. به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسه محاکمه متهمان اولیای دم مقتول خواستار اشد مجازات برای ۴ متهم پرونده شدند. سپس قاضی هاشم رضایی رئیس دادگاه اتهام مباشرت در قتل عمدی اعظم به آرش و معاونت در قتل را به ۳ متهم دیگر پرونده تفهیم کرد که متهمان به دفاع از خود پرداختند.

با دفاعیات متهمان رئیس دادگاه و ۴ قاضی مستشاد برای صدور حکم وارد شور شدند.